

شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴
وطني امروز | شماره ۴۲۳۲

ورزشی



یادداشت

جاهطلبی تازه‌واردی از شمال ایتالیا
انقلاب فابریگاس در کومو



کومو، تیمی که تا همین چند سال پیش در سکوت و فراموشی در فوتبال ایتالیا دست‌وپا می‌زد، حالا با بازگشتی توانایی به سری آ، نگاه‌ها را خیره کرده است. آنها فصل گذشته، بعد از ۲۲ سال غیبت، دوباره به سطح اول فوتبال ایتالیا برگشتند و برخلاف تصور عموم، نه‌تنها سقوط نکردند، بلکه با نمایش‌های جسورانه و شکست دادن بزرگان، در رتبه دهم ایستادند.

رهبری سسک فابریگاس، ستاره سابق آرسنال و بارسلونا که زیر نظر بزرگانی چون آرسن ونگر، ویسنته دل‌بوسکه و جوزپه گواردیولا بازی کرده است، به کومو روح تازه‌ای بخشید؛ تیمی که در ماه‌های پایانی فصل ۶ پیروزی متوالی کسب کرد تا ثابت کند بقاییش در سری آ تصادفی نیست.

اما فصل جدید فقط ادامه حضور نیست؛ کومو به دنبال جهش است. مالکان ثروتمند باشگاه که حالا لقب «پولدارترین باشگاه ایتالیا» را گرفته‌اند، در پنجره تابستانی چیزی کم نگذاشتند. تا لحظه نگارش این گزارش، بیش از ۱۰۱ میلیون یورو برای خریدهای تازه خرج شده؛ رقمی که از اینتر، یوونتوس و حتی ناپولی هم فراتر رفته و حتی باشگاه‌های پرخرج انگلیسی را در مقایسه شرمندانه کرده است. این سطح از هزینه‌کرد برای تیمی تازه‌وارد، نشان‌دهنده پروژه‌ای است که فراتر از ماندن در لیگ برنامه‌ریزی شده است.

■ **خریدهای استراتژیک؛ ترکیبی از جوانی و تجربه**
کومو برخلاف بسیاری از تیم‌های پرخرج، فقط ستاره‌های مشهور را نخریده، بلکه روی استعدادهای آینده سرمایه‌گذاری کرده است. ژوسو رودریگز و وینگر ۱۹ ساله بتیس که ارزشش در یک سال ۲۰ میلیون یورو رشد کرد، با ۲۲.۵ میلیون یورو به کومو پیوست. فابریگاس در توصیف او گفت: «بازیکنی بی‌پاک و خلاق که شخصیتش مناسب تیم ماست.» این خرید یادآور آسانه دیائو است؛ همان وینگری که زمستان گذشته از بتیس آمد و در ۱۵ بازی ۸ گل زد.

نیکلاس گریت کوهن، ستاره آلمانی سابق سلتیک، دیگر خرید مهم کومو است. بازیکنی که در اسکاتلند با ۱۳ گل و ۹ پاس گل درخشید و حتی در لیگ قهرمانان اروپا مقابل بایرن گلزنی کرد. کوهن که در آکادمی‌های بایرن، لایپزش و آژاکس پرورش یافته، حالا ۱۹ میلیون یورو هزینه روی دست کومو گذاشته تا جناح راست تیم را تقویت کند.

و البته خرید پریسک اما آینده‌دار؛ جیدن آدای، وینگر ۱۹ ساله آلکمار که تنها هزار دقیقه برای تیم اصلی بازی کرده اما به دلیل سرعت انفجاری و تکنیکش، ۱۴ میلیون یورو ارزش دارد.

■ **نگه داشتن ستون‌های تیم**
کومو فقط خرید نکرده، بلکه بازیکنان قرضی موفقش را هم دائمی کرده است. ماسیمو پرונה، هافبک جوان منچسترسیتی، با ۱۳ میلیون یورو ماندگار شد. الکس واله از بارسلونا و ایگناس فن‌دربرمیت از سالزبورگ هم به‌صورت قطعی جذب شدند.

حتی شایعه شده مقصد بعد جاکوبو رامون از رئال مادرید و آلوآرو موراتا، کاپیتان تیم‌ملی اسپانیا، کومو خواهد بود. خروجی تیم هم تقریباً صفر بوده است. تنها خداحافظی مهم، بازیکنی به‌په ربنای ۴۲ ساله بود. همین حفظ ثبات در کنار جذب استعدادهای جدید باعث شده کومو نسبت به دیگر رقبای خود در سری آ جلوتر باشد.

■ **فابریگاس و رؤیایی که ادامه دارد**

سسک فابریگاس که شایعاتی درباره رفتنش به رم و بایرلور کونز شنیده می‌شد، تصمیم گرفت بماند. او در کومو پروژه‌ای شخصی دارد؛ ساختن تیمی از بازیکنان جوان و گمنام که می‌توانند آینده فوتبال اروپا را تغییر دهند. خودش حتی به شوخی گفته: «شاید روزی لیونل مسی هم به کومو بیاید. هرگز نگو هرگز!»

واقعیت این است که کومو فقط یک تیم نیست، بلکه تبدیل به یک مدل تازه در فوتبال ایتالیا شده است؛ مدلی که نشان می‌دهد حتی در لیگ سنتی و محافظه‌کار سری آ هم می‌توان با ترکیبی از سرمایه‌گذاری حساب‌شده و مربیگری مدرن، قواعد را تغییر داد.

اگر این پروژه به نتیجه برسد، کومو می‌تواند الهام‌بخش دیگر باشگاه‌های کوچک ایتالیا باشد که هیچ وقت از سایه غول‌هایی مثل اینتر، یووه و میلان خارج نشده‌اند. این تیم، همانند آتالانتا یا گاسپرینی اما با سرمایه‌ای چند برابر، ممکن است در آینده نزدیک جدول سری آ را تغییر دهد.



اردوی ترکیه برای استقلال، به جای آنکه نوید روزهای تازه باشد، عملاً به ویتروینی از سردرگمی‌های مدیریتی بدل شده است. تیمی که باید با ترکیبی کامل جهت جریان فصل بی‌سابقه و تلخ پیش، برای فصل آینده آماده می‌شد، هنوز درگیر لیست‌های پی‌درپی سرمربی پرتغالی است؛ لیست‌هایی که هر بار پر از نام‌های پرطمطراق است اما در عمل هیچ کدام از آنها رنگ پیران آبی را به خود ندیده‌اند.

ریکاردو ساینزو از نخستین روز حضورش، بارها هشدار داد استقلال بدون جذب چند مهره کلیدی، نه‌تنها برای قهرمانی، بلکه حتی برای حضور در کورس هم به مشکل برمی‌خورد. او چند نوبت فهرست‌های مختلفی را امیل کرد؛ فهرست‌هایی که مجموعاً شامل ۲۶ نام بود اما نتیجه آن، تا این لحظه چیزی جز سکوت، بی‌عملی و ناتوانی مدیریت نبوده است. ماجرا از همان لیست اولیه آغاز شد؛ ۱۱ بازیکن شناخته‌شده داخلی که هر کدام می‌توانستند بخشی از ضعف‌های استقلال را بپوشانند؛ از ستاره‌های ملی‌پوش گرفته تا چهره‌های مستعد لیگ برتر؛ علی کریمی، احسان حاج‌صفی، مهدی قلندی، محمد مجبی و علیرضا جهانبخش در آن لیست بودند؛ نفراتی که حضورشان می‌توانست برای هواداران نشانه‌ای از بلندپروازی باشد اما پاسخ باشگاه فقط یک جمله بود: «شرایط فراهم نیست!» نتیجه؟ هیچ کدام نیامدند. نیامدند؟ حتی نزدیک هم نشدند!

با گذشت زمان و نزدیک شدن به آغاز فصل، سرمربی پرتغالی که می‌دید درهای نقل و انتقالات داخلی یکی پس از دیگری بسته می‌شود، لیست اضطراری‌تری ارائه داد؛ فهرستی که نه‌تنه‌ا سرعاً، بلکه از سر ناچاری نوشته شد. نام‌هایی چون عارف غلامی، سعید مهری، علی شجاعی و عیسی آل کثیر روی این کاغذ اضطراری جا گرفتند. باشگاه سراغ آل کثیر رفت و قرارداد را باو نهایی کرد اما در



در فضای پرتالانتقال و نقل و انتقالات، استقلال با بحرانی تازه روبه‌رو شده؛ بحرانی که نه‌ا از جنس کمبود بازیکن است و نه ضعف مستقیم مدیریتی، بلکه از دل یک شبکه پیچیده و زیرپوستی بیرون زده است. باشگاهی که روزگاری با شعار استقلال مدیریتی پا به میدان می‌گذاشت، حالا در آستانه فصل جدید با ترکیبی مواجه است که بیش از حد تحت نفوذ یک مدیر برنامه خاص قرار گرفته؛ طوری که اگر این فرد یک روز تصمیم بگیرد کند، دست ساینزو و مدیرانش از نبی‌ا از ترکیب خالی می‌ماند.

مدیران باشگاه پس از هفته‌ها سکوت و فرصت‌سوزی در بازار تابستانی، ناگهان زیر فشار اعتراض هواداران و انتقادات تند سرمربی پرتغالی‌شان مجبور شدند بازی خریدها را تغییر دهند. خبرهای خوشی از جذب چند ستاره خارجی به گوش می‌رسد و گفته می‌شود دست‌کم ۴ خرید بین‌المللی در راه است. در همین حال، چشم استقلالی‌ها به بازیکنانی چون حسین گودرزی و آنتونیو آنان دوخته شده و مذاکره با نام‌هایی مانند لازار مار کوویچ، یاسر آسانی و دوکان ژنون هم ادامه دارد.

اما ورائ این هیاهوی نقل و انتقالات، حقیقتی نگران‌کننده پنهان شده است؛ نگاهی به فهرست ۲۴ نفره فعلی استقلال -شامل ۳ دروازه‌بان، ۹ مدافع، ۵ هافبک و ۹ مهاجم- نشان می‌دهد نزدیک به نیمی از این تیم، مهره‌های همان ایچنت پرنفوذ هستند. به زبان ساده، استقلال حالا باشگاهی است که اگر این مدیر برنامه خاص تصمیم به قطع همکاری بگیرد، اسکلت اصلی تیم از هم می‌پاشد. سامان فالاح، آرمین سهرابیان، ضرغام سعداوی، صالح حمدانی، رامین رضاییان، سیدابوالفضل جلالی، امیرمحمد رزاقی‌نیا، محمدحسین اسلامی و علیرضا کوشکی، همگی تحت

قراردادهایی که رنگ تعهد ندارد

متمم یا باج؟

در فوتبال حرفه‌ای دنیا، قرارداد بازیکن و باشگاه سندی است برای پایبندی، ثبات و شفافیت. اما در فوتبال ایران، این مفهوم روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. چند سال است پدیده‌ای به نام «متمم مالی» به‌طور

خزنده وارد ادبیات نقل‌وانتقالات و قراردادهای شده؛ ابزاری که بازیکنان، بویژه در تیم‌های پر هوادار، برای تحمیل زیاده‌خواهی خود استفاده می‌کنند. کافی است از نارضایتی بگویند یا زمزمه جدایی را پخش کنند، باشگاه تحت فشار هواداران و رسانه‌ها عقب‌نشینی می‌کند و تعهدات تازه‌ای به قرارداد اضافه می‌شود.

■ **بازیکن ناراضی؛ باشگاه تسلیم**

این ماجرا تازه نیست اما در فصل اخیر ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. نمونه اخیرش محمد عمری بود؛ بازیکنی که قرارداد معتبر به پرسپولیس داشت اما ناگهان درخواست مبلغ بیشتری کرد. باشگاه، به جای پایبندی به متن قرارداد، باج داد تا نارضایتی

بلا تکلیفی بزرگ آبی‌ها ولیستی که ساینزو اعلام کرد و جذب نشد

فهرست بی سرانجام



کمال شگفتی، ساینزو رسماً اعلام کرد این بازیکنان برای پر کردن لیست نبودند، بلکه تنها آخرین گزینه‌های بازار داخلی بودند و فعلاً تمایلی به جذبشان ندارد. تناقضی که بار دیگر مدیریت استقلال را در تنگنا گذاشت و هواداران را سرگردان تر کرد.

این آشفتگی فقط محدود به بازار داخلی نبود. در لیست خارجی‌ها هم، نام‌های بزرگی به چشم می‌خورد؛ ا وینسنت ایوبر که گفته تا علی سووه و پاپا چریف اندیابه؛ ستاره‌هایی از آفریقا و اروپا که می‌توانستند اعتبار و قدرت تازه‌ای به خط حمله و دفاع آبی‌ها ببخشند اما هیچ یک جذب نشدند. باشگاه بهانه‌اش را قیمت بالای این بازیکنان عنوان کرد اما در حقیقت، بی‌برنامگی و نه ضعف مالی، سده را این نقل و انتقالات شد.

حالا استقلال مانده با یک اردوی نیمه‌تمام، تمریناتی که با ۱۳ بازیکن آغاز شد و ترکیبی که حتی برای یک بازی رسمی کافی نیست. در پست دروازه‌بان هنوز جای خالی احساس می‌شود. دفاع میانی و چپ بدون مهره مطمئن است، وینگرها کم هستند و مهاجم نوک هم همچنان دغدغه اصلی ساینزو است. اما بارها گفته برای موفقیت نیاز به حداقل ۴ بازیکن مناسب خارجی دارد و حداقل ۵-۶ بازیکن داخلی هم باید اضافه شوند اما مدیریت مانند تمام ۶ ماه اخیر فقط وعده می‌دهد.

مشکل استقلال فقط کمبود بازیکن نیست؛ فقدان استراتژی هم هست. وقتی یک مربی لیستی ۲۶ نفره را در چند نوبت تحویل می‌دهد و حتی که نفر از آنها جذب نمی‌شود! مشخص است میان نیازهای فنی و تصمیمات به‌اصلاح مدیریتی فصلهای عمیق وجود دارد. نتیجه این شکاف، چیزی جز از دست رفتن فرصت نیست. فراموش نکنیم استقلال تنها ۱۶ روز دیگر در سوپر جام و ۲۳ روز دیگر در لیگ برتر به میدان می‌رود در حالی که تعداد بازیکنان در تمرینات تیم به‌سختی به ۱۲ نفر رسیده؛ بازار داخلی تقریباً خالی شده، بازیکنان آزاد باکیفیت کمیاب شده‌اند و در بازار خارجی هم رقبای متمول، دست استقلال را بسته‌اند. هواداران، هر روز در فضای مجازی از مدیران باشگاه بی‌برسند:

زنگ خطر برای استقلال؛ وقتی یک ایچنت سایه‌اش را روی تیم می‌گستراند

ایچنت ساکاری!

قرارداد همان فرد هستند. بسیاری از این نفرات ستون‌های اصلی ترکیب محسوب می‌شوند؛ بازیکنانی که ساینزو نمی‌تواند از آنها چشم‌پوشی کند. این سطح از تمرکز قدرت در دست یک ایچنت، حتی در مقایسه با سایر تیم‌های لیگ برتر هم بی‌سابقه است.

برای نمونه، سپاهان در فهرست فعلی خود ۸ بازیکن مرتبط با همین ایچنت دارد و این آمار در پرسپولیس یا تراکتور به نصف این تعداد می‌رسد. انطور که مستندات نقل و انتقالاتی و حتی گزارش‌های سایت‌های معتبر مثل ترانسفرمارکت نشان می‌دهد، هیچ باشگاهی در ایران چنین میزانی از وابستگی به یک مدیر برنامه را تجربه نکرده است.

همه چیز وقتی عجیب‌تر می‌شود که بدانیم این روند همچنان ادامه دارد. مدیران استقلال در حال مذاکره نهایی برای جذب عیسی آل کثیر هستند؛ بازیکنی که او هم به همین شبکه تعلق دارد. به این ترتیب، اگر آل کثیر و حسین گودرزی – که او هم در همین چارچوب قرارداد است – به جمع آبی‌ها اضافه شوند، شمار وابستگان این ایچنت به ۱۱ خواهد رسید. یعنی یک تیم کامل فقط با یک امضا اداره می‌شود!

و این پایان ماجرا نیست، چرا که نام‌های دیگری مثل محمدجواد حسین‌نژاد و سعید سحرخیزان نیز در فهرست خریدها قرار دارند و هر ۲ هم از همین مسیر هدایت می‌شوند. به این ترتیب، استقلال ممکن است در نهایت با ترکیبی مواجه شود که

قراردادهایی که رنگ تعهد ندارد

متمم یا باج؟

رسانه‌ای نشود. این اتفاق فقط یک نمونه است، پیش از این هم بازیکنان زیادی با تهدید به تمرین نکردن یا شایعه مذاکره با تیم رقیب، باشگاه‌ها را وادار به افزایش در یافتی‌شان کرده‌اند.

■ **پاداش یا باج خواهی؟**
طرفدارن چنین متمم‌هایی این رفتار را پاداش عملکرد خوب می‌دانند اما واقعیت این است که اغلب این مطالبه‌ها بدون ارتقای خاصی در سطح فنی یا حتی تغییر شرایط قانونی اتفاق می‌فتد. این رویه خطرناک باعث می‌شود قرارداد عملاً به یک کاغذ بی‌ارزش تبدیل شود و بازیکن یاد بگیرد هر زمان دلش بخواهد، می‌تواند دوباره پای میز مذاکره بنشیند. نتیجه؟ باشگاه‌ها در باتلاق تعهدات مالی سنگین فرو می‌روند و باقی بازیکنان هم با دین این امتیازات، خواسته‌های مشابهی مطرح می‌کنند.

■ **پادهای خاموش؛ آینده مبهم**

سؤال مهم این است: چه کسی باید جلوی این چرخه معیوب را بگیرد؟ سازمان لیگ؟ کمیته وضعیت فدراسیون فوتبال؟ تاکنون هیچ واکنش قطعی ندیده‌ایم. سکوت مسؤولان یعنی راه برای

اخباری گزینه جدید دروازه استقلال

قارتال در تهران؟

ترکیب آبی‌ها در پست حساسی مثل دروازه، بعد از کوچ سیدحسین حسینی به سپاهان، به هم ریخت و حالا نگاه مدیران باشگاه به یک چهره آشنا دوخته شده است؛ کسی که سال‌ها در لیگ برتر با پیران تراکتور و گل گهر، قاب‌های ماندگاری ثبت کرده و حالا در سپاهان موقعیتی متزلزل دارد.

اخباری که بعد از پیوستن محرم نویدکیا به سپاهان، در کنار نیما میرزآداد مشغول تمرینات پیش فصل بود، با آمدن حسینی عملاً به دروازه‌بان سوم بدل شده است. باشگاه اصفهانی حالا ۳ سنگربان باتجربه در اختیار دارد و همین ازدحام باعث شده زمزمه‌های جدایی یکی از آنها جدی شود. طبیعی است در این شرایط، نام محمدرضا اخباری دوباره روی میز مذاکره سایر تیم‌های مدعی بیفتد.

در اردوی ترکیه، ساینزو هنوز دنبال نفر مطمئنی برای بستن قفل دروازه استقلال است. او فعلاً فقط حبیب فرعباسی را به خدمت گرفته و گفته می‌شود مذاکره با یک گلر اسپانیایی هم در مراحل پایانی است اما از همان ابتدای خروج حسینی، برخی دلالت‌های فوتبال گزینه اخباری را مطرح کرده‌اند و حالا این نام رسماً روی میز کادر فنی استقلال است.

ساینزو طبق روال همیشگی‌اش، بدون عجله پاسخ داده و از مدیران باشگاه خواسته ابتدا شرایط و وضعیت قرارداد اخباری را موشکافانه بررسی کنند. او تأکید کرده اگر این انتقال شدنی باشد، می‌خواهد شخصاً عملکرد فنی دروازه‌بان سپاهان را دوباره تحلیل کند تا مطمئن شود این انتخاب می‌تواند فشار خط دفاع را کم کند. اخباری که در تبریز به قارتال (عقاب) معروف شد، فعلاً در کمپ تمرینی سپاهان حضور دارد اما خودش هم بخوبی می‌داند حضور ۳ دروازه‌بان باتجربه در یک تیم، دیر یا زود یک قربانی خواهد داشت. از طرفی استقلال برای پر کردن جای خالی حسینی نیاز به تجربه دارد و اخباری اگر ای مسیز مذاکره بنشیند، می‌تواند با قراردادی کوتاه‌مدت دوباره به سطح اول فوتبال پایتخت برگردد.

اینکه در نهایت سرنوشت این سنگربان کجا رقم می‌خورد، هنوز روشن نیست. همه چیز به جمع‌بندی ساینزو و ارزیابی‌های مدیریتی استقلال گره خورده اما روشن است بازار نقل و انتقالات دروازه‌بان‌ها هنوز یک برگ برنده تازه دارد که می‌تواند معادلات باشگاه‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد.

خلوت وی تبدیل می‌شود. بازیکنان این شبکه هم ممکن است هر طور بخواهند رفتار کنند چون می‌دانند در باشگاه آبی، نفوذ مدیر برنامه‌شان حرف اول را می‌زند.

در این میان، هواداران استقلال که همیشه نسبت به مدیریت باشگاه حساس هستند، شاید هنوز عمق ماجرا را درک نکرده باشند.

آنها فعلاً درگیر لیست خرید و گمانه‌زنی درباره ستاره‌های خارجی‌اند اما اگر روزی اختلافی میان باشگاه و این ایچنت رخ دهد، تازه روشن خواهد شد چه بمب ساعتی‌ای در ترکیب آبی‌ها کاشته شده است.

به زبان ساده، استقلال با دست خود قدرتی فراتر از مدیرعامل به یک نفر داده است؛ کسی که اگر بخواهد، می‌تواند با یک پیام کوتاه، تیم را کاملاً فلج کند. این تهدیدی است که فعلاً در پس‌زمینه پنهان شده اما هر لحظه ممکن است به سطح بیاید و باشگاه را وارد بحرانی تازه کند.

اینکه چرا مدیران استقلال چنین ریسکی را پذیرفته‌اند، هنوز روشن نیست. شاید برای آرام کردن بازار، شاید به دلیل ناتوانی مالی در بستن قرارداد مستقیم با ستاره‌ها یا شاید صرفاً به خاطر کمبود گزینه اما واقعیت این است که هر چه جلوتر برویم، این وابستگی بیشتر استقلال را شبیه یک تیم خصوصی تحت مالکیت یک ایچنت خواهد کرد تا باشگاهی حرفه‌ای با ساختار مستقل. در فصل پیش رو، هواداران باید چشم‌انتظار بمانند و ببینند آیا این شبکه پیچیده به یک نقطه بحرانی می‌رسد یا ساینزو و مدیران باشگاه راهی برای مهار قدرت پنهان آن شخص پیدا خواهند کرد. تنها چیزی که اکنون قطعی به نظر می‌رسد، این است که استقلال به طرز خطرناکی روی یک خط باریک قدم می‌زند؛ خطی که یک سویش موفقیت کوتاه‌مدت و سوی دیگری سقوط در دام وابستگی است.

